



مکاسب محرمه / حفظ کتب ضلال

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

بحث در استدلال به آیه شریفه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ» لقمان/۶ بر حرمت حفظ کتب ضلال بود که نکاتی را مفردات و دلالت آیه مطرح کردیم و نکاتی را در ادامه به آن اشاره می‌کنیم

مراد از لهو در آیه

لهو فی حد ذاته دارای احکامی است که یا حرام است یا مکروه و یا مباح اما طبق ظاهر آیه و فارق از هر دلیل خاص مراد از لهو در آیه، لهوی نیست که حرمت ذاتی دارد بلکه مطلق لهوی است که در مسیر اضلال و گمراهی قرار می‌گیرد و فرقی نمی‌کند فی حد ذاته حرام باشد یا مکروه باشد یا مباح، به عبارت دیگر در آیه حرمت غیری و مقدمی این لهو برای اضلال مقصود است اما این مطلب که آیا لهوی که به صورت غیری و مقدمی در مسیر اضلال قرار گرفته است به صورت نفسی هم جهت حرمتی در آن هست یا نیست؟ آیه در این جهت مطلق است. اما ذیل آیه روایاتی وارد شده است که غنا را به صورت مطلق مصداق لهو در آیه قرار داده است چه موجب اضلال دیگران بشود و یا اینکه موجب اضلال دیگران نشود که دو احتمال وجود دارد اینکه بگوییم مراد از غنا، غنای مضل است و روایت مصداقی برای آیه بیان می‌کند که البته خلاف ظاهر روایت است چون به صورت مطلق در روایات گفته شده است که غنا به طور مطلق ولو مضل غیر نباشد حرام است و یا اینکه مطابق ظاهر روایت بگوییم که در واقع روایت تصرفی در معنای آیه کرده و مفهوم لهو در آیه را توسعه داده است و آیه شامل مطلق لهوهایی که فی حد ذاته حرام است و لو اینکه مضل غیر هم نباشند می‌شود.



معنای محتمل لام در لیضَلَّ

لام معانی متعددی دارد اما در «لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» در معنای لام دو احتمال وجود دارد.

احتمال اول لام تعلیل

احتمال اول این است که لام تعلیل و غایت باشد به این معنی که هدف‌گیری و جهت‌گیری را می‌رساند و معنی این‌گونه می‌شود شخصی که اشتراء اللهو می‌کند با این هدف و غرض که اضلال غیر کند. اگر لام در آیه به این معنی باشد عنوان اصلی همان اضلال می‌شود و عنوان اشتراء لهو چون مصداق اضلال است حرام می‌شود و جنبه ذاتی ندارد.

احتمال دوم: لام عاقبت

احتمال دوم این است که لام عاقبت باشد به این معنی که لام فقط نتیجه و عاقبت عمل را می‌رساند بدون این که عاقبت و نتیجه مورد توجه و هدف باشد. در مکاسب به این احتمال اشاره شده است و معنی آیه طبق این احتمال این می‌شود که چون اضلال مردم مترتب بر اشتراء لهو است - نه اینکه قصد او از اشتراء اضلال غیر باشد - اشتراء حرام است طبق این احتمال دوم، اضلال موضوعیت ندارد و موضوع اصلی همان اشتراء لهو است و اضلال حکمت حکم می‌شود و حرمت اشترا هم طبق این احتمال و همچنین احتمال قبل از وعده عذاب و سیاق کلام به دست می‌آید.

نظر استاد در معنای لام

آیه ظهور در احتمال اول که لام تعلیل است، دارد و هر چند احتمال اینکه لام عاقبت باشد وجود دارد اما کسی این احتمال را نپذیرفته است و عبارت «يَتَّخِذُهَا هُزُؤًا» در ادامه آیه شاهد بر تعلیلیه بودن لام و مقصود بودن اضلال است و همچنین اگر لام به معنای عاقبت بود مناسب بود که فعل بعد از لام لازم باشد.



عدم قصدی بودن اضلال و مشروط بودن عقاب بر تنجز حکم

سؤال که در اینجا مطرح است این است آیا اضلال، از عناوین قصدیه است یا از عنوان قصدیه نیست؟ اضلال ذاتاً عنوان قصدیه نیست و بدون توجه و قصد، اضلال غیر محقق می‌شود منتهی عقاب مصل مشروط به قصد اضلال و تنجز تکلیف است و تنجز تکلیف و حکم به این است که علم به اضلال داشته باشد و اگر علم داشته باشد قهراً قصد هم خواهد بود. در آیه هم که وعده عذاب و عقاب می‌دهد در صورت علم و قصد اضلال است و مراد این نیست که فعلیت اضلال و حکم واقعی اضلال، متوقف بر علم و قصد اضلال باشد چون احکام مشترک بین عالم و جاهل است و قاعده کلی در موارد جهل به حکم عدم ترتب عقاب است نه اینکه فی الواقع حکم وجود نداشته باشد.

مراد از «عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» در آیه

هرچند طبق شأن نزولی که برای آیه بیان شده است استماع قرآن بوده است اما این مورد مخصص اطلاق آیه نیست و آیه مطلق می‌باشد و شامل اضلال در مسائل اعتقادی و اخلاقی و احکام می‌شود.

متعلق بغيرِ علم در آیه شریفه

در متعلق بغير علم دو احتمال در آیه وجود دارد.

احتمال اول این است بغير علم قید برای مفعول محذوف لیضلاً باشد یعنی کسانی که گمراه می‌شوند بغير علم گمراه می‌شوند.

احتمال دوم این است که قید برای فاعل لیضلاً باشد یعنی کسانی که گمراه می‌کنند غیر عالم هستند البته این غیر علم موجب عدم تکلیف نمی‌شود و مراد این نیست که بغير قصد گمراه می‌کنند بلکه مراد جهل از احکام واقعی عند الله است یعنی او هم آگاهی درستی از حقایق ندارد.

احتمال سوم این است که هم قید مفعول باشد هم قید فاعل که این احتمال خلاف ظاهر است.

هرچند علامه طباطبائی احتمال اول را ترجیح داده‌اند اما این احتمال تعیینی ندارد.



قراءات مختلف در «وَاِتَّخَذَهَا»

یتخذ در آیه هم به رفع ذال و هم به نصب ذال خوانده شده است که در صورت اول عطف بر بیشتری است و در صورت دوم عطف بر لیض است.

جمع‌بندی و نظر استاد از استدلال به آیه شریفه:

در مدلول آیه شریفه، آیه شریفه اضلال را تحریم می‌کند و حکم تحریم بر اضلال عن سبیل الله واقع شده است که از گناهان کبیره است یعنی کسی در صدد گمراه کردن دیگران بریاید، دیگران را از اعتقادیات و رفتار درست و اعمال درست گمراه بکند این اضلال امر محرم است و بقیه موارد دیگر در کلام مطرح شده مثل اشترا لهو همه جنبه‌های مصداقی برای آیه است فلذا از این آیه نمی‌توان بر حرمت حفظ کتب ضلال استناد کرد و تنها مستفاد از آیه در محل بحث این است که گر حفظ کتب ضلال مصداق اضلال باشد حرام است.